

4-1-2021

Asceticism and Mysticism in the Poetry of Attar Al-Nisaburi and their Effect on Qasid's Flirtations

Kabari Jabarli

دانشیار زبان وادبیات فارسی_دانشگاه آل البيت_اردن_أستاذ مشارك في اللغة الفارسية وآدابها جامعة آل البيت الأردنية

Follow this and additional works at: <https://jfa.cu.edu.eg/journal>

Recommended Citation

Jabarli, Kabari (2021) "Asceticism and Mysticism in the Poetry of Attar Al-Nisaburi and their Effect on Qasid's Flirtations," *Journal of the Faculty of Arts (JFA)*: Vol. 81: Iss. 2, Article 8.

DOI: 10.21608/jarts.2021.66453.1098

Available at: <https://jfa.cu.edu.eg/journal/vol81/iss2/8>

This Original Study is brought to you for free and open access by Journal of the Faculty of Arts (JFA). It has been accepted for inclusion in Journal of the Faculty of Arts (JFA) by an authorized editor of Journal of the Faculty of Arts (JFA).

بررسی تاثیر اندیشه های زاهدانه عطار در غزلیات قاصد (*)

جی‌هاد شکری رشیدی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی -

دانشگاه صلاح‌الدین اربیل -

عراق

کبری جبارلی

دانشیار زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آل‌البیت - اردن

چکیده

عطار از شاعران توانمند ادب فارسی است که جایگاهی ارزشمند و بی‌بدلی در عرصه‌ی به‌کمال رساندن شعر زهد و عرفان در ادبیات فارسی به خود اختصاص داده است. از آنجا که قاصد بر زبان پارسی احاطه داشته، توانسته است با تأثیرپذیری از آثار و افکار عارف و شاعر بزرگ، عطار نیشابوری، نکات لطیف و تجربه‌های زهد و عرفان را در کسوتی زیبا و آراسته بیان کند و در لا به لای غزلیات خویش، نکات قابل‌ملاحظه و مهم زهد و عرفان را به بیانی شورانگیز ارائه کند تا آن اندازه که گرایش‌های زاهدانه در اشعارش مشهود باشد و در عمق روح و روان خواننده تأثیر بگذارد. این جستار که با شیوه توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای انجام گرفته درصدد آن است تا به این سوال اصلی پاسخ دهد که میزان مشابهت یا مغایرت مضامین زهدی در اشعار این دو شاعر تا چه اندازه است تا با این هدف از طرفی بتوان به فضای فکری و نوع نگاه قاصد به مهم‌ترین مسائل حوزه زهد و عرفان دست یافت و از طرف دیگر، از این رهگذر بتوان میزان قرابت و نزدیکی درون‌مایه‌های زهدی این دو شاعر را سنجیده و گامی جهت تقریب ادبیات فارسی و شاعران پارسی‌گوی عراق برداشت.

(*) مجله کلية الآداب جامعة القاهرة المجلد (٨١) العدد (٤) أبريل ٢٠٢١.

واژه های کلیدی: عطار، قاصد، زهد، نکوهش دنیای، ربا ستیزی

الزهد والتصوف في شعر عطار النيسابوري وأثرهما على غزليات قاصد

المستخلص:

يعدّ عطار النيسابوري من أعظم الشعراء في الأدب الفارسي، وله مكانة كبيرة في الأدب الفارسي عزّ نظيرها، إذ ارتقى بشعر الزهد والتصوف إلى أرقى المراتب وهذا ما يميزه عن غيره من الشعراء. أما الشاعر قاصد، الذي كان يتقن اللغة الفارسية، فقد تأثر بأفكار الصوفي والشاعر الكبير عطار النيسابوري، واستفاد من تجارب الزهد والتصوف الخاصة بالشاعر عطار ووظفها في شعره بطريقة جذابة ومؤثرة، وأصبح الزهد والتصوف هو الطابع العام في شعره وأستطاع، من خلال هذين المضمونين، أن يترك أثراً عميقاً على نفس وروح المتلقي.

سيعمل هذا البحث معتمداً على الأسلوب الوصفي التحليلي والمقارن بالإجابة على سؤال البحث الأصلي وهو الكشف عن مواطن التشابه والاختلاف في مضامين الزهد والتصوف بين الشعارين ونظرة كل منهما إلى هذين المضمونين، وبيان مدى التقارب بين أفكار الشعراء الفرس وشعراء العراق الناطقين بالفارسية والكشف عن مضامين الزهد والتصوف المشتركة بينهما.

الكلمات المفتاحية: العطار، قاصد، الزهد، ذم الدنيا، ذم الرياء

Asceticism and Mysticism in the Poetry of Attar Al-Nisaburi and their Effect on Qasid's Flirtations

Abstract:

Attar is one of the great poets of Persian literature with a great position in the field of asceticism and mysticism poetry. As for the poet Qasid, who was fluent in the Persian language, He was influenced by the ideas of the great poet and Sufi, Attar al-Nisaburi. He

employed the experiences of asceticism and mysticism of the poet Attar in his poetry in an attractive way. Consequently, asceticism and mysticism became the general attribute in his poetry so that everyone was affected when reading his poetry.

Based on the descriptive analytical method, this study aims at answering the original research question which is related to revealing the similarities and differences in the contents of asceticism and mysticism between the two poets and their view of these two contents. Particularly, the study aims at showing the extent of the convergence between the ideas of Persian poets and Iraqi poets speaking in Persian as well as the common contents of asceticism and mysticism between these poets.

Key words: Attar, Qased, asceticism, malediction of life, malediction of hypocrisy

۱- مقدمه

بکر بن محمد حویزی متخلص به «قاصد» از شاعران توانایی است که شعر او مهجور و گمنام مانده است و تأمل در شعر او نکاتی تازه را در شعر شعرای متقدم آشکار می‌سازد. اندیشه‌ها و بنمایه‌های زاهدانه عطار نی‌شابوری سرمشق قاصد بوده است که توجه این مقاله به این حقیقت معطوف گشته است که وجه خاصی از این تأثیرگذاری و تأثیرپذیری مضامین شعری را در اشعار عطار بر غزلیات قاصد می‌توان یافت. تأثیرپذیری قاصد از عطار و سرودن اشعاری ملهم از اندیشه‌ها و افکار او، گویای قدرت نفوذ کلام عطار است که تا این حد توانسته افکار و عقاید خود را به وسیله‌ی اشعارش به نسل‌های بعد از

خود، نسل‌هایی که قرن‌ها با او فاصله دارند، منتقل کند و آن‌ها را تحت تأثیر کلام خود قرار دهد و قاصد از جمله شاعرانی است که مجذوب سحر کلام عطار شده و با تأثیرپذیری از شعر او آثاری به یادماندنی آفریده است. از غزلیات قاصد چنین بر می‌آید که افکار، مضامین و حتی لغات و ترکیبات عطار زمزمه روح و جان این شیفته و دلباخته سخن عطار بوده که این‌گونه فراگیر در سراسر شعرش تجلی یافته است. این پژوهش بر آن است تا دریچه‌ای نو به روی پژوهندگان و دستداران شعر و غزل قاصد بگشاید و اثبات نماید که توجه خاص قاصد به عطار نیشابوری در دلپذیری شدن سخنش مؤثر بوده است.

۱-۱ پیشینه پژوهش

قاصد از شاعران غزلسرای قرن هجدهم هجری و از پیروان شاعران کلاسیک ایران از جمله؛ حافظ، عطار، مولوی و سعدی شیرازی است که تاکنون شعر او چندان مورد توجه قرار نگرفته است اما تعدادی پژوهش در زمینه و حوزه‌های دیگر در غزلیات قاصد صورت گرفته است که به آنها اشاره می‌شود: مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اندیشه‌های ملامتی و در غزلیات فارسی قاصد» نوشته جی‌هاد شکری رشیدی (۲۰۱۹) که در آن به موضوعات مختلف ملامتی‌ه و قلندرانه پرداخته است این موضوعات عبارتند از: مستی و رندی، سماع، بی‌پروایی، درستی با ریاکاری و خودبینی و خودرآیی. و مقاله دی‌گری تحت عنوان «کاربرد تلمیح در غزلیات فارسی قاصد» توسط جی‌هاد شکری رشیدی (۲۰۱۷) به نگارش درآمده است که به تلمیحات دینی، اساطیری، تاریخی و عرفانی اشاره کرده است. مقاله «انعکاس هفت وادی عارفانه عطار در غزلیات فارسی قاصد» از جی‌هاد شکری رشیدی (۲۰۱۸) که به بازتاب هفت وادی عارفانه‌ی عطار پرداخته است و مقاله دی‌گری هم در مورد عشق و جایگاه آن در غزلیات قاصد پرداخته شده است. در هر

صورت مقاله ای که به طور خاص به این موضوع بپردازد یافت نشد. از این رو، نگارندگان سعی بر آن دارند تا مضامین و اندیشه‌های زهدی عطار را در غزلیات قاصد مورد بررسی و واکاوی قرار دهند.

۱-۲- ضرورت، اهمیت و هدف پژوهش

عطار نیشابوری از جمله شاعرانی است که در هنر و اندیشه‌ها و هزاران نکته نهفته است که آثارش، وی را صدرنشین بدان پایه از بلندی رسانده که شهرت او نه تنها در ایران؛ بلکه در سراسر قلمرو شعر پارسی گسترانده است. این نوشتار رگه‌های تأثیر گذاری برخی از اغراض و مضامین زهدی عطار نیشابوری بر مضامین شعری قاصد نشان داده شده است تا راه برای انجام پژوهش‌های تطبیقی گسترده‌تر در زمینه شعر شاعران پارسی‌گوی کرد عراق و شعر شاعران فارسی‌زبان ایرانی پیش از پیش هموار سازد. البته از آنجایی که تأثیرپذیری‌های شاعران از یکدیگر از یک طرف، باعث درک بهتر آثار ادبی و دریافت دقیق‌تر اندیشه‌ی شعرا می‌شود و از طرف دیگر «نشان دهنده بالندگی و شکوفایی استعداد و موهبت نوی‌سندگان نسبت به یکدیگر و بیان چگونگی ارتباط آنها با پیشینیان است.» (غنی‌می هلال، ۱۳۷۳: ۳۸) که تأثیر این بررسی در معرض دید خواننده قرار خواهد گرفت حائز اهمیت است.

۱-۳ طرح بیان مسئله

نگارندگان در این پژوهش سعی بر آن دارند تا پاسخگوی این سوالات باشد:

۱) تأثیر اشعار عطار بر طرز تفکر و بینش قاصد به چه صورتی بوده است؟ و میزان شباهت‌های مضامین این دو شاعر چقدر است؟

۲) آیا قاصد شعر زهد را ابزاری برای بیان ارزش‌های والای

دینی و موعظه و نصیحت کردن برگزیده است، یا آنکه انگیزه های دی‌گری داشته است که در خلال غزل‌هایش پنهان مانده است؟

۴-۱ روش تحقیق

روش پژوهش توصیفی-تحلیلی و مقایسه ای و با روی‌کردی متن‌گرا است که در آن تلاش می‌شود با توجه به اندیشه های عطار نی‌شابوری در باب زهد، غزلیات قاصد واکاوی و مورد بررسی قرار گیرد. تا از این طریقی باعث شود که ضرورت شناخت سرچشمه تفکرات زاهدانه عطار و هم‌چنین بررسی قرابت‌ها، تشابهات فکر و اندیشه در غزلیات قاصد و اشعار عطار در عرض دید خواننده قرار گیرد.

۲- بحث و بررسی

در این مقاله پس از شرح و تعاریفی از زهد و معرفی اجمالی شاعر و بیان موقعیت او در نزد ادیبان پارسی گوی کرد، مضامین شعری و شیوه شعری وی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

۲-۱- معنای لغوی و اصطلاحی زهد

واژه زهد (به ضم اول و سکون دوم) در زبان عربی، مصدر از ریشه‌ی «زهد»، «یزهد» به معنای رهاکردن و روی‌کرداندن از چیزی است» (معلوف، ۱۳۸۷: ۳۰۷) زهد در لغت به معنی بی‌رغبت شدن، ناخواهانی نمودن، روی‌بازگرداندن از چیزی به واسطه حقیر شمردن آن و ناخواهانی خلاف رغبت و طیب کسب و قصر امل است. (دهخدا، ۱۳۴۱: ذیل واژه «زهد») اما معنای اصطلاحی زهد بسیار وسیع‌تر از آن است که بتوان در این مختصر به آن پرداخت. بزرگان عرفان و صوفیه، هریک از دیدگاهی خاص به موضوع نگریسته و آن را تعریف کرده‌اند^(۲) این واژه «در اصطلاح اهل حقیقت عبارت است از

دشمن داشتن دنیا و اعراض از آن، گفته اند ترک آسایش دنیاست برای رسیدن به آسایش آخرت. و گفته اند زهد آن است که دلت را از آنچه از دستت خارج است پاک و خالی داری» (گوهرین، ۱۳۸۰: ۱۷۴) و به باور عطار «زهد، دست داشتن از دنیا است و باک نداشتن در دست هر که بود» (عطار، ۱۳۸۵: ۴۱۹) و در «رساله قی‌شیری آمده است: «خدای همه شرها در خانه ای نهاد، و قفل بر وی نهاد و کلید او دوستی دنیا کرد و همه خیرها اندر خانه ای نهاد و زهد کلید او کرد» (قشیری، ۱۳۸۵: ۱۸۰) و «هر که اندر زهد سخن گوید و مردمان را پند دهد و اندر مال ایشان طمع کند، خدای تعالی دوستی آخرت از دل وی بیرون کند»^(۱) (همان: ۱۷۹) و از طرفی هم زهد داری سه حرف است: زا و ها و دال، زا، ترک زینت است، و ها، ترک هوی و دال ترک دنیا (عطار، ۱۳۷۴: ۴۷۰) با این وجود بنا به تعریفی که از آن یاد شد، می‌توان گفت که هدف زهد زدودن بدی‌ها و کژی از نفس و پرورش درون از طریق مجاهدات خاص است. زهد، در عین آنکه از مراحل تصوف است، به دلیل تأثیری که در تمرکز قوای نفسانی برای نایل به اهداف روحانی دارد، به طور عام در عرصه‌های اخلاقی جای‌گاه شاخصی یافته است. در حقیقت عرفان اسلامی در سیر تحول خود چندین مرحله را پشت سر گذاشته است از میان دوره‌های مختلف تاریخ عرفان و تصوف چند دوره شاخص تر می‌باشد که یکی از آن‌ها دوره زهد است (برتلز، ۱۳۵۶: ۸) در هر صورت مفهوم زهد، با همه افت و خیزهایی که حیات بشر به خود دیده، از جمله مفاهیمی است که توانسته در این میان، ضمن حفظ جوهره اصلی خود که عموماً از آن به دنیا گریزی یاد می‌شود، به اقتضای روزگار و نیازهای تازه تر، رنگ‌های متنوعی به خود گیرد که از این رو، شعر زهد در اصطلاح ادب نوعی از شعر است که در آن شاعران به نکوهش دنیا و اخلاق مردم دنیا طلب و امثال

آن مضامین می پردازند. (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۴۳۷) به همان تعبیر که در المعجم الوسیط درباره زهد دنی‌های آمده است که: «زهد فی الدنیا: ترک حلال‌ها مخافه حساب‌ها و ترک حرام‌ها مخافه عقاب‌ها» (مصطفی و همکاران، ۱۴۲۵: ۴۰۳).

٢-٢- معرفی قاصد

بکر بن محمد قاصد متخلص به «قاصد» از شاعران و غزلسرایان معروف پارسی‌گوی است. وی در سال ۱۷۸۵/۱۲۰۰م در شهر کوی یکی از شهرهای کردستان عراق پا به عرصه‌گی‌تی نهاد و سپس در سال ۱۸۵۵م در سن هفتاد سالگی دارفانی را وداع گفت. قاصد از شاعران برجسته فارسی‌گوی می‌باشد که در همان آغاز جوانی به کسب علوم عقلی و نقلی علاقه خاصی از خود نشان داد. گرایش قاصد به زندگی همراه با زهد، از او چهره‌ای محبوب در نظر خاص و عام ساخته است و از آنجا که مورد تکریم و عنایت مردم زمانه خویش قرار گرفته بود به فرمان روایی کوی‌منسوب گردید. قاصد علاوه بر زبان مادری به زبانهای عربی، فارسی و ترکی آشنایی کامل داشته است و از آثار وی دیوان غزلیات و همچنین تعدادی مثنوی و مخمس به یادگار مانده است. آنچه قاصد را از لحاظ ادبی مورد توجه می‌سازد، شعرهای فارسی اوست که رنگ و بوی عارفانه و عاشقانه دارد و بسیاری از آن حاصل تجربه‌های عارفانه اوست که رنگ و بوی عارفانه و عاشقانه دارد. بارزترین خصیصه کلام قاصد، متابعتی است که از شعرای فارسی به خصوص عطار، مولوی و حافظ شیرازی داشته است. این متابعت و تأثیر در مضمون و الفاظ و ترکیباتی است که از آن بهره برده است (شکری، ۲۰۱۹: ۱۵۵-۱۵۶). که در این مقوله به آن پرداخته می‌شود. ناگفته نماند که قاصد در گرایش‌های عرفانی و زهد و دنی‌گریزی و بروز و اظهار این گرایش‌ها نیز فارغ از فرقه‌گرایی‌ها و دعوی-

های سترگ، با ذوق و زهد، عرفانی فردی و ذوق مندانه را پی‌شده کرده است.

۲-۳- بررسی اندیشه‌های زاهدانه عطار در غزلیات قاصد

عطار نیشابوری یکی از مشهورترین شاعران و عارفان ادب پارسی است. دانش عطار، نگاه خاصش به مسائل عرفانی و دینی، تحولات شگرفی در زندگی او و بسیاری مسائل دیگر باعث شده است که در میان شاعران و نویسندگان کلاسیک ایرانی به نمونه‌ی بی‌بدیل و آثار عرفانی وی نیز به عنوان شاهکار ادبی تلقی می‌شود. در اندیشه‌ی عطار زهد به خودی خود مذموم نیست، اما چنانکه استفادۀ از ابزاری از آن و نیز همراه شدن آن با ری‌باعث می‌شود که زهد به امری ناپسند بدل شود. در حقیقت عطار نیشابوری زهد را در مراحل ابتدایی تصوف، موضعی مناسب برای تصفیه‌ی روح و تهذیب نفس می‌داند، اما از آن به بعد که زهد و ریاضت راهزن عرفان می‌شود و به این دلیل، عطار به آن روی خوش نشان نمی‌دهد. در هر صورت مضامین زاهدانه عطار نیشابوری که در غزل‌های قاصد نمود مبدأ پیدا کرده است موجب فخامت کلام قاصد شده است. تأثیر قاصد از عطار نیشابوری تنها به شگردهای ظاهری نیست بلکه در مضمون آفرینی نیز بهره‌مند شده که حال، به مواردی درباره‌ی این تأثیرات در راستای مضامین زاهدانه عطار بر مضامین شعر قاصد پرداخته می‌شود:

۲-۳-۱- بهره‌گیری از آیات قرآنی

عطار در بیان اندیشه‌ی عرفانی خود از آیات قرآنی به ویژه از قصص قرآنی بهره‌ فراوان برده است. با بررسی اجمالی اشعار قاصد می‌توان به نگرش وی نسبت به قرآن و توجه او به استفادۀ از مفاهیم قرآنی و داستانهای آن پی‌برد. تلمیح و اشاره‌ی ظریف‌ها گاهی اشاره و توجه گویا به آیات قرآن، در شعر قاصد، بیشترین نمونه‌ها را به

خود اختصاص داده است. او در غزلیات خود اشاراتی به جلوه‌های بی از زندگی پیامبران دارد^(۲) که به صورت تلمیح آورده است و تنوع مایه های تلمیح در حوزه داستان پیامبران، ناشی از وسعت اطلاعات قاصد در این زمینه است. برای نمونه؛ بیت زیر که اشاره دارد بر ماجرای حضرت ابراهیم(ع) که در روزگار نمرود بود و آن پادشاه جبار با منجنیق او را در آتش افکند و خداوند آتش را بر او گلستان کرد که ناظر است بر آیه شریفه ﴿قُلْنَا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ﴾. ۱۲/69 که قاصد در سرودن این بیت به آن آیه، چشم داشته است (شکری، ۲۰۱۷: ۱۷۸):

ای خلیل دل چرا گفתי سلامت هست عاقبت در منجنیق هجر نارت
عشق سوختم

(قاصد، ۲۰۰۸: ۲۶۵)

با اینکه بیت زیر تلمیحی است به قصه ادم (ع) که به اغوای شیطان از گندم بهشت خورد و از آنجا رانده شد که ناظر است بر آیه شریفه ﴿قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَاِذَا يَأْتِيَكُم مِّنِّي هُدًى فَمَنْ تَبَعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (۳۸/۲) (همان: ۱۷۹):

آدم چو بدانت ترا جای زمین است از خلد در آمد که کند وصف محامد

(قاصد، ۲۰۰۸: ۱)

و موضوع گناه و هبوط ادم، دستمایه تلمیحی قاصد برای سرودن ابیات وی قرار گرفته است: (همان: همان صفحه):

چیدن نتوان میوه بنی آدم مسکین از بوم رقیب چو سیه مار در این
باغ

(قاصد، ۲۰۰۸: ۵)

زهدیات قاصد به نسبت میزان استفاده از آموزه های دینی برای تقویت

بنیاد سخن خویش، قوت افناعی بی‌شتری یافته است و آن از تأثیر آیاتی ناشی شده که پشتوانه فکری برخی اشعار او گشته است.

همچنین مصراع اول در بیت زیر که به داستان طوفان نوح (ع) اشاره دارد و متأثر از آیه ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ﴾ (عنکبوت ۲۹/۱۴) است (همان: ۱۸۱):

وقت طوفان شده نزدیکی برو گشتی قاصدا در غم او دیده سرگردان است
ساز

(قاصد، ۲۰۰۸: ۱۸۱)

از این رو، می‌توان گفت که قاصد در ضمن اشعار خود به طرق مختلف از داستانها و مفاهیم قرآن مجید استفاده کرده است و حجم وسیعی از تلمیحات شعر قاصد را داستان پیامبران تشکیل می‌دهد و این به اشعار او لطافت و معنوی‌تی خاص بخشیده است و در غزلیات خویش به زوایای از زندگانی شماری از پیامبران الهی اشاره کرده است. (همان: ۲۰۱-۲۰۲) و از پیامبرانی همچون ابراهیم، آدم، نوح و ... که در مکتب عرفان مقام و جایگاه معنوی دارند، یاد می‌کند و از طریق ارائه نمونه و الگوی مناسب به مضمون آفرینی و تصویر سازی در بعد مسایل عارفانه می‌پردازد. با این وجود می‌توان گفت که نوع بینش و نگرش شاعر توجه ای است که اصل و جوهره آموزه های خود را بر پایه فرا رفتن از ظواهر اصول و مبانی شرع قرار می‌دهد و اندیشه های خود را در بستر توجه به باطن و معانی تاویلی آیات قرآنی و احادیث نبوی (ص) عرضه می‌دارد.

۲-۳-۲- ریاضت

از دی‌گر ارکان زهد، برای تزکیه جان ریاضت جسم است؛ که عطار آن را با منبع تن پروری و توصیه بر پرورش روح بیان می‌

کند و معتقد است که مردان حقیقت، راه خواب و غفلت را بر خویشتن می بندند تا از هر فرصتی برای قربتی بلندتر، استفاده کنند.
برو راه ریاضت گیر تا کی پروری خـود راکه بردی آب روی خویشتن تا در بند این نانی

(عطار، ۱۳۸۵: ۸۳)

و در جای دیگری می گوید:

شب چو مردان زنده دار و تا توانی می مخسب زانکه زیر خاک بسیاریت
خواهد بود خواب

(عطار، ۱۳۷۴: ۷۳۸)

در حقیقت قاصد سعی بر آن داشت است تا برای محقق شدن ترک علایق دنیای، ملزم به انزوا و گوشه نشینی شود که در خلوت و انزوای خود به تزکیه نفس و تربیت روح و روان خود بپردازد. که در طی این انزوا، با گریه و زاری همراه بوده است. زیرا یکی از عوامل موثر در این تزکیه، غم خواری است. همچنانکه در دیگر گوشه های ادبیات و فرهنگ گذشته شاهد آن هستیم که بزرگان گریستن را صفای دل می دانند:

بشـنـو ز من غریب مهجـور افـتـاده ز
یـار و از و طـن دور

دارم همه دم دو چشم نمناک یک سینه ولی ز غم دو صد چاک

(قاصد، ۱۳۹۲: ۱۵۶)

۲-۳-۳- ریاستی

قاصد در دیوان شعری خویش، عباراتی در ذم زاهدان و عابدان ریاکار بیان می کند و آن ها را مورد انتقاد قرار می دهد و اعمال ایشان را مبتنی بر هوای نفس می داند نه پیروی از شریعت. از این رو، همواره به ارزش های زاهد و صوفی ریاکار زمان خرده می

گیرد و راه و رسم آنان را در راه رسیدن به مقصود نارسا می‌داند:
چون تاب جفای تو ندارد دل زاهد سجاده به مسجد زده، یعنی شده
عابد

(قاصد، ۲۰۰۸: ۲۰۷)

البته ناگفته نماند که علاوه بر توجه به مباحث نظری عرفان که در آثار قاصد بازتاب دارد، در مقاطعی از زندگی نیز، به شیوه‌ای عملی و عینی سلوک عاشقانه و درویشانه داشته است. وی نکوهش ریا و ریاکاران، مبارزه با زهد خشک زاهدان و عالمان قشری و گاه حتی تظاهر به بی‌تقوایی برای انکار و تخطئه فروشان، تأکید بر عنصر عشق به عنوان مقام و مقصد عالم سالک و سفارش به عاشقی به عنوان شیوه اصلی سلوک و صفت واقعی سالک است (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۵-۱۶۶).

آخر فقیه عمر تو خود رفت زین هوس تا کی ز زید و عمر کنی بی شمار
بحث

هوشم چو رفت گوش به قولت نمی‌کنم ناصح دی‌گر مگو تو ز صبر و قرار
بحث

زاهد چو نیست مرد محبت از آن سبب هرگز نمی‌کند ز می و از خمار
بحث

(قاصد، ۱۳۹۲: ۵۵)

همانگونه که در ابیات بالا ملاحظه می‌شود قاصد بر شیخ، واعظ، مفتی، محتسب، قاضی و شری‌عتمداران و زهد فروشان زمانه، که به ظاهر خود را فرشته‌نما و فرشته‌خو جلوه می‌دهند و شریعت قرآن را برای بهرموری بی‌شتر از تنعمات دنیوی دام تزویر قرار می‌دهند و در خلوت و دور از انتظار آنچه را که خود نهی می‌کنند مرتکب می‌شوند، با تازیانه نقد و نکوهش می‌کوشد. (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۶). وی در این ابیات جنبه‌ی ظاهری را رها می‌کند و با دیده‌ی عشق و عرفان به

زهد می نگرند و آن را مانع نیل به هدف متعالی خود می یابند.

۲-۳-۴- زهد ری‌های

ری‌استیزی و طرد و تخطئه زهد خشک زاهدان عاری از انعطاف، بیشتر از دی‌گر موارد، مورد توجه قاصد بوده است. شاید بتوان گفت که این تأکید و توجه او، دست کم دو علت مهم فردی و اجتماعی داشته است: یکی مشرب وسیع، ازاد اندیشان و رندانه و خوش باشانه ی قاصد و دی‌گر، فضای متصلب و ری‌اپروران روزگار، در کنار سخت گیری های متظاهرانه ی برخی زاهدان ری‌های بوده است. (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۶) او زاهدانی را که از باده عشق سرمست نگشته اند به باد ملامت می گیرد و می گوید (همان: ۱۶۲)

طمع از نرحمت یار مکن همچون ما زاهد هر که نشد عاشق او مردود است

(قاصد، ۱۳۹۲: ۱۲۱)

از اشعار قاصد پی‌داست که نگاه قاصد در باب زهد، نگاهی منفی و انتقادی است. وی در غزلیت خویش به فراخور از زهد و زاهد سخن گفته و سخنانش در این ابیات، نکات مهمی را در مورد اندیشه ی او در باب زهد آشکار می سازد. قاصد آشکارتر از همی‌شه به جنگ زهد فروشان و سالوسان می‌رود که در بیت زیر اشاره به این نکته دارد که عبادت و ریاضت زاهد خالی از عشق است. (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۶) و در این نگاه در بیت زیر نمای‌نگر آن است که عارف شخصی وارسته است و زاهد شخصی است که در بند دنیاست:

زاهد تو برو جای تو نبود حرم عشق گو جمله برو نه غم دنیا و نه دین است

(قاصد، ۱۳۹۲: ۳۷)

قاصد واعظان و زاهدان ری‌اکار را نیز که با فریب دادن مردم بی اطلاع، انبان خود را پر می‌کنند و دنیا پرستی خود را در زیر نقاب شرع پنهان داشتند، از طعنه‌ی خود محروم نگذاشته است. زاهد در کنار واعظ، شیخ، فقیه، صوفی و محتسب از چهره‌های منفی است که معمولاً در مسجد و خانقاه گرد هم می‌ایند و طبعی افسرده و خشک دارند که از ذوق عشق و لذت مستی بی بهره‌اند. اشکال زاهد این است که خود را مقید به ظاهر دین کرده است و اهل صلاح است نه اهل عشق و به صراحت پنین ابراز بیان می‌نماید:

طمع از مرحمت یار مکن همچون ما زاهدا هرکه نشد عاشق او مردود است

(قاصد، ۲۰۰۸: ۱۸۸)

در واقع با ذکر این ابیات شاعر قصد دارد که برتری عارف بر زاهد را نشان دهد. قاصد به زاهد چنین سفارش و اظهارنظر می‌نماید. (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۶):

زاهدا عشق بی‌آموز شوی صدر نشین تو به جنت اگرم گوش یرین بند
کنی

(قاصد، ۱۳۹۲: ۱۳۵)

قاصد در غزلیت خویش، از نگاه یک عارف به زهد می‌نگرد و بدین ترتیب تلاش می‌کند که برتری عارف بر زاهد را در ابیات خود نشان دهد:

نشاید پیش هر زاهد رموز عاشقی گفتن حدیث عشق خوبان قاصدا
افسانه می‌سازی

(قاصد، ۲۰۰۸: ۳۱۴)

با توجه به بیت بالا می‌توان چنین پنداشت که نگاه قاصد در

باب زهد، گاه نگاهی منفی و انتقادی است که نکات مهم را در مورد اندیشه‌ی او در باب زهد آشکار می‌سازد و درکل این افراد موجودی ری‌هاکار، خشک، ظاهر پرست، عیب‌گیر رندان، بی‌علم و مقلد و بی‌فکر هستند که با منع‌های بی‌جهت خود رند را آزار می‌دهند.

۲-۳-۵- عزلت‌گزینی

عطار عزلت‌گزینی و احتراز از خلق و به تنهایی پناه بردن را، از مهمات زهدورزی برمی‌شمارد. زیرا برای محقق شدن ترک علایق دنیایی طالبان ملزم به انزوا و گوشه‌نشینی بودند که با اعتکاف در خانقاه‌ها و اماکن مذهبی و یا در جاهای دور از دسترس مردم عادی سعی می‌کردند، در خلوت و انزوای خود دور از هیاهوی زندگی مادی به تزکیه نفس و تربیت روح و روان خود بپردازند. به اعتبار عطار نیشابوری آنچه را که سبب سروری سی‌مرغ بر مرغان شد، این بود که عزلت‌گزیده بود:

سی‌مرغ وار از همگان عزلتی طلب کز هی‌چ کس ندید دمی هی‌چکس
وفا

(عطار، ۱۳۷۴: ۷۰۸)

به باور عطار عارف به واسطه عزلت و خلوت کردن از وابستگی به وارستگی می‌رسد چنانچه از درون خود فارغ می‌شود و از خود بیرون می‌شود و به بارگاه بقا راه پیدا می‌کند:

اگر دمی به خموشی تو را می‌سر شد ز عمر قسم تو آن است روز عرض
جزا

و گر بمیری از این زندگی بی‌حاصل به عمر خویش نمیری از آن
سپس حقا

(عطار، ۱۳۷۴: ۷۲۰)

این تفکر در غزلیات قاصد به چشم می‌خورد که عمر و زندگانی را کوتاه و ناچیز می‌داند که اگر به غیر از وفای دوست سپری نشود، از این رو، خواستار وصال حق است:

عمر کوتاهست و من در هجر یار خود اسیر پای‌ه وصلش بلند آمد به بالا کی
رسم

(قاصد، ۱۳۹۲: ۱۱۳)

به همین سبب عمر خود را در راه وفای دوست صرف می‌کند، که تنها از طریق رها شدن از وایستگی است که آدمی را به وارستگی می‌رساند، تا از این طرق به بارگاه حق برسد:

عمر در را وفای دوست می‌بازم دنا می‌کنم پس جهد زین غم عاقبت تا کی
رسم

(قاصد، ۱۳۹۲: ۱۱۳)

۲-۳-۶ - قلندر مآبی

اندیشه‌های قلندرانه و ملامتی نیز از ویژگی‌های بارز عرفان شعری عطار در برابر زهد است. بدون تردید «دیوان غزلیات غزلیات عطار، گنجینه‌ای بزرگ از ترکیبات صوفیانه و قلندرانه است که تا پیش از وی در میان کلمات و مقالات و اشعار هیچ‌یک از بزرگان و شاعران عارف دیگر تا این حد دیده نشده است و پس از عطار هم هرچه از این مقوله، اصطلاح‌ها ترکیبی به کار رفته، به نوعی تکراری از عطار است و از این حیث او حق بزرگی بر ادب صوفیانه عرفانی دارد» (محمدیان و دی‌گران، ۱۳۹۴: ۱۹۳۵).

همانگونه که عطار می‌گوید:

بی‌سر و سروری شدم قبله‌ی کافر شدم رند و قلندری شدم زهد فسانه
یافت

(عطار، ۱۳۷۴: ۴۱۱)

روحیات قلندرانه از جمله موضوعات عرفانی است که کاربرد زیادی در شعر و اندیشه قاصد داشته است و از آن ها می توان به عنوان اصول عرفانی مورد توجه قاصد تعبیر کرد. در واقع قلندریات، نوع ویژه ای از غزلیات قاصد را تشکیل می دهد که به شیوه ای خاص، بنیاد تفکرات و دیدگاه عرفانی او را در جهت القای اندیشه های قلندرانه به نمایش می گذارد. با توجه به شواهد ابیات زیر می توان به خوبی روحیات قلندرانه قاصد و نشانگر تمایل او به سلوک درویشانه و گریزش از زندگی دنیوی و نکوهش خود، را استنباط نمود (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۶).

من در همه دم جان به هوای تو فشانم
گر رند خراباتم و گر اهل
صوامع

(قاصد، ۱۳۹۲: ۹۳)

و هچنین بیت زیر به خوبی بیانگر روحیات قلندرانه قاصد و نشانگر تمایل او به سلوک درویشانه و گریزش تجمل پردرباری است و در این دیدگاه قاصد عاشق و زاهد بی ارزش هستند و قلندر، وارسته و ارزشمند:

چو شد مدهوش غم های تو قاصد
از آن گردید در
عالم قلندر

(قاصد، ۱۳۹۲: ۸۰)

البته قاصد نسبت به آداب و گفتار پسندیده از نظر مردم و زاهد، بی اعتنا است و پروای بی از بدنامی میان خلق ندارد. او در دنیا تنها به عشق و معشوق عنایت دارد و همین امر است که موجب قلندری و رندی وی شده است که به طور مستقیم خود را قلندر و رندی هم معرفی می کند (شکری، ۲۰۱۹: ۱۶۴):

اگر خوی‌شی بپرسد حال زار قاصد مسکون

بگو در وادی عشق نکو رویان قلندر شد

(قاصد، ۱۳۹۲: ۷۳)

شایان عنایت است که قاصد از دیدگاه فکری و مشرب عرفانی رسمی و خاصی برخوردار نبوده است و در سلک گروه خاصی قرار ندارد، اما ابعاد فکری و عملی او ناظر بر دیدگاه عارفانه است و پیوند عمیقی با تصوف عاشقانه دارد و این پیوند در اشعار او به خوبی مشاهده می‌گردد.

۲-۳-۷- نکوهش دنیای

بی اعتباری عالم فانی یکی از مباحثی است که عطار اشارات مکرری در قصاید خود به آن داشته است. اشاره او به اصول و اعتقادات عارفانه در اشعارش نشان از توجه به امور اخروی، عدم تعلق به جهان مادی، از میان بردن حجاب نفس و شکستن غرور و خودخواهی، مبارزه با زهد منفی و توجه به جوهر عشق دارد. وی بر این باور است که آدمی نباید به آراستگی‌های ظاهر این جهان فریب خورد:

در جهان منگر اگر چه کار و باری حاصل است

کاخرین روزی به سر باریش مرگی در خور است

دل منه بر سیم و بر سیمین بران دهر از آنک

جمله زیر زمین پر لعبت سیمین بر است.

(عطار، ۱۳۷۴: ۷۴۷)

مفهوم زهد ضمن جوهره‌ی اصلی که از آن به دنیابگریزی یاد می‌شود، از جمله مفاهیمی است که قاصد در جای جای سخنان خود پرهیز از دنیا پرستی و ترک تعلق به امور دنیوی را بیان کرده است. و اشاراتی به بی اعتباری عالم فانی دارد:

باغبان بوی وفا هرگز نمی آید ز گل گوی به بلبل زار و نالیدن نیرزد این همه

(قاصد؛ ۱۳۹۲: ۱۴۷)

در حقیقت یکی از شالوده های فکری قاصد که از اشعارش به خوبی هویداست نکوهش و تحقیر دنیاست. به اعتقاد متصوفه «شرط رونده آن است که حب دنیا از دل خود بگرداند که؛ حب الدنیا رأس کل خطیئه» (رزمجو، ۱۳۶۸: ۲۴۹) سالکان که طالبان وصول به حضرت حق بودند، مقید به اجرای این اصل تربیتی بودند و آن ترک تمام علایق و نعمت های مادی و دنیای بود (صفا، ۱۳۷۰: ۵۱) قاصد نیز در اثر پر مغز خود پیوسته بر آن است تا به مدد اندیشه ها و افکار زاهدانه خود، اندکی از ماهیت سراب وار دنیا را آشکار سازد و مخاطبان خود را به رستگاری رهنمون شود. فریادهایی که قاصد در ترک دنیا و یکسو نهادن تعلقات و دلبستگی به زخارف دنیایی بر می آورد، پژواک این باور است که آدمی محکوم به فناست و به سبب کوتاهی و اندوهناکی و بی اعتباری نباید بدان دل بست و مغرور و فریفته شد. او کسانی را که در خواب غفلت فرو رفته اند و از گردش زمانه غافل هستند و پند نمی گیرند، می گوید:

عروسی کو درین محنت سرا ای دل تفکر کن

ندی دم در جهان روزی که نبود ماتمی دیگر

(قاصد، ۱۳۹۲: ۷۲)

در واقع قاصد قصد دارد که بی اعتباری دار فانی را به مخاطب خود گوشزد نماید، از این جهت، وی دنیا را عروسی مانند کرده که این عروس هفت کرده، با همه زیباییهایش؛ همچو دارفنایی است که به افسون و حیل همة شکوه و حشمتی که خود به انسان بخشیده از او پس

می‌گیرد:

تو بدین دار فنا غره مشو ای هشی‌ار

که به افسون و حیل تخت سلی‌مان زد و برد

(قاصد، ۱۳۹۲: ۶۰)

با این وجود می‌توان گفت که شعر قاصد به ذم دنیا گرایش دارد اما بی‌شتر متزه‌دانه است تا زاهدانه. ناپایداری زندگی این جهانی و لزوم آماده شدن برای مرگ و رستخیز مضمون اوج اندیشه او در شعر زهد است.

۲-۳-۸ - یادآوری گذر عمر و غفلت آدمی

غفلت و بیداری از جمله مفاهیم اصلی در جهان بینی عرفانی است. عطار از جمله عرفایی است که در اشعارش با بسامد بسیار بالا به جوانب متعدد غفلت و هوشیاری تاکید و اشاره نموده است. چنانچه می‌فرماید:

مرکب ضعیف و بار گران و رهی دراز تو خوش بخفته، کی رسی آخر به
انتها

تو خفته ای ز دی‌ر گه و عمر در گذر تو غافل ز کار خود و مرگ در
لقا

(عطار، ۱۳۷۴: ۷۰۷)

غفلت از مباحثی است که قاصد به آن توجه ویژه‌ای داشته است و از سخن به میان آوردن به آن غافل نبوده است. قاصد بر این اعتقاد است که عمر آدمی در گذر است و بایستی آدمی از همه لحظات زندگانی خویش بهره‌بردار (شکری، ۲۰۱۹: ۱۷۰):

فرصت شمار جانا عیش بهار جانا ترسم که عمر نبود بینی دی‌گر بهاری
با سرو قامت خود جامی برو سی‌وی بنشین میان باغی گراز جهان

کناری

(قاصد، ۱۳۲: ۱۱۰)

غفلتی که قاصد از آن سخن به میان می آورد، در حقیقت، غفلت از سیر به سوی حق و اشتغال به دنیاست. قاصد به کسانی که در خواب غفلت فرو رفته اند و از گردش زمانه غافلند و عبرت نمی گیرند، می گوید:

پنج روزی پیشتر چون گل در این فصل بهار

در چمن ای سرو رقصیدن نیرزد این همه

(قاصد؛ ۱۳۹۲: ۱۴۷)

پی نوشت ها

- (۱) البته شایان عنایت است که زهد در قرآن کریم تنها یک بار در معنای لغوی و در صیغه فاعلی جمع آن به صورت "زاهدین" به کار رفته است: «وَشَرَّوهُ بِمَنْ بَخْسٍ دَرَاهِمٍ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ» (۲۰/۱۲)
- (۱) درویشی که در پوشاک و خوراک و طاعات و عبادات بی‌قیدی است. قلندر به کسی گویند که به نظر خلق مبالغاتی زیاد ندارد و سعی در تخریب و عادات و رسوم کند و سرمایه‌ی حال او جز فراغ خاطر نباشد و طاعات و نوافل از وی نیاید، از این جهت مشبه به ملامتی‌ه است. (نک: شریفی، ۱۳۸۸: ۱۱۳۶)

نتیجه گیری

نتایج حاصل آمده از این پژوهش نشان می دهد که؛

- قاصد همانند عطار نیشابوری تحت تأثیر آیات قرآنی، احادیث و آموزه های دینی قرار گرفته است و تأثیر فرهنگ اسلامی در محتوای قاصد نمود بارزی دارد. آنچه که از فضای حاکم بر اشعارش برمی آید، تأکید بر عرفان زاهدانه و تقوامدارانه است که در آن به دنیا و تعلقات مادی پشت پا می‌زند و طریق سلوک روحانی و عشق ازلی را در رسیدن به حقیقت و معرفت برمی‌گزیند.

- قاصد در پرتو مکتب عرفانی عطار بر این باور است که در مشرب عرفانی، سالک بایستی در مسیر سیر و سلوک و رسیدن به حقیقت از تعلقات مادی و جسمانی و نیز صفات بشری فانی گشته و با استغراق در ذات حق تعالی همانند او شده و به بقای او باقی و جاودان باشد تا روحش را برای اعتلا به عالم معنا مهیا سازد و همچنین قصد دارد جهانی را نمایش دهد که اعضای آن به سوی کمال بی‌نهایت، در حرکت هستند.
- اندیشه‌های قلندرانه از ویژگی‌های بارز عرفان شعری عطار بوده است که این مبحث در اندیشه و افکار قاصد بازتاب وسیعی داشته است. قاصد همانند عطار دنیاطلبی را نکوهش کرده و پیوسته دنیاطلبان را فریب خورده می‌داند و اشارات مکرری به بی‌اعتباری عالم فانی دارد و می‌گوید به آراستگی‌های ظاهر این جهان پست و گذرا و رونقش نباید فریب خورد.
- در حقیقت تأثیرپذیری قاصد از وقایع و مسایل رایج زمانه و اقتدا به روش و سیره عارفان سبب شده که غزلیاتش صبغه معنوی و عرفانی بیابد و از این منظر شعر او زیبا، جذاب و درخور توجه قرار گیرد که در افکار و اندیشه‌ی قاصد به عنوان نمونه‌ای از مشرب عرفانی اسلامی شاهدهی زهدی لطیف و عاشقانه که به شدت از ریای پرهیزد.
- شعر قاصد به نم دنیای گرایش دارد اما بی‌شتر متزهدهانه است تا زاهدانه. ناپایداری زندگی این جهانی و لزوم آماده شدن برای مرگ و رستخیز مضمون اوج اندیشه‌ی او در شعر زهد است.
- قاصد از جنبه‌های مختلف به مقوله‌ی زهد توجه کرده است و این مسئله در نگاه اول به نوعی تناقض در آرای او منجر شده است که به شیوه مستقیم و آگاهانه تحت تأثیر اندیشه‌های عرفانی عطار الهام

گرفته است. این تأثیر پذیری باعث شده است که منش و گرایش-های عمیق زاهدانه و عرفانی داشته باشد.

کتابنامه

- قرآن کریم
- برتلس، یوگنی اردواریچ (۱۳۶۵)، تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: انتشارات امیر کبیر
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات سازمان لغت نامه
- رزمجو، حسین (۱۳۶۸)، انسان آرمانی و کامل در ادبیات حماسی و عرفانی فارسی، تهران، انتشارات امیر کبیر
- شریفی، محمد (۱۳۸۸). فرهنگ ادبیات فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات معین
- شفیع کدکنی، محمد رضا (۱۳۸۰)، تازیانه های سلوک؛ چاپ سوم، تهران: انتشارات آگاه
- شکری رشیدی، جیهاد (۲۰۱۹)، بررسی اندیشه های رندانه و ملامتی حافظ در غزلیات حویزی، مجله نوشا، شماره ۴۹، صص ۱۵۱-۱۸۲.
- شکری رشیدی، جیهاد (۲۰۱۷)، کاربرد تلمیح در غزلیات فارسی قاصد، مجله علمی دانشگاه کوی، شماره ۴۲، صص ۴۳-۶۹
- صفا، ذبیح الله (۱۳۷۰)، تاریخ ادبیات در ایران، جلد دوم، تهران: انتشارات امیر کبیر
- عطار نیشابوری، فریدالدین محمد (۱۳۷۴)، منطق الطیر. به اهتمام دکتر احمد خاتمب. چاپ اول. تهران: موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا
- _____ (۱۳۸۵)، تذکره الاولیاء، به تصحیح

- محمد استعلامی، چاپ هفدهم، تهران: انتشارات زوار
- _____ (۱۳۷۴)، دیوان، تصحیح تقی تفضلی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی
- غنیمی هلال، محمد (۱۳۷۳)، ادبیات تطبیقی، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیرکبیر
- قاصد، بکر آقای حویزی (۱۳۹۲)، دیوانی حویزی، به تصحیح: دکتر فاطمه مدرسی، چاپ اول، ارومیه: نشر بوتا
- _____ (۲۰۰۸)، دیوانی حویزی، شرح و توضیح شوکر مصطفی‌ورحیم قادر، دھوک: انتشارات خانی
- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم (۱۳۸۵)، الرساله القشیری، با تصدیحات و استدراکات بدیع الزمان فروزان فر، ترجمه ابوعلی عثمانی، چاپ نهم، انتشارات علمی و فرهنگی
- گوهرین، صادق (۱۳۸۰)، شرح اصطلاحات تصوف، چاپ پنجم، تهران: انتشارات زوار
- مصطفی، ابراهیم و محمد علی النجار و احمد حسن الزیات و حامد عبدالقادر (۱۴۲۵ه.ق)، المعجم الوسیط، استانبول: دارالدعوه
- محمدیان، عباس و (دیگران)، بررسی مضامین قلندری در غزلیات عطار و حافظ، هشتمین همایش پژوهشهای زبان و ادبیات فارسی، ص ۱۹۲۹-۱۹۴۷
- معلوف، لویس (۱۳۸۳)، المنجد فی اللغة، چاپ سوم، تهران: انتشارات اسلام.